

واکاوی نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت

فریدون یزدانی^۱، جلیل فرننگی پور^۲

^۱استادیار گروه علمی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور خوی، معلم مقطع ابتدایی شهرستان آبادان

چکیده

در تمامی نظام‌های آموزش مدرسه رکن اصلی تعلیم و تربیت می‌باشد و معلمان نیز مربی و الگوهای با نفوذ تعلیم و تربیت هستند؛ بنابراین شغل معلمی یکی از حساس‌ترین و پرمسئولیت‌ترین شغل‌های جامعه محسوب می‌شود. آموزش و پرورش، مهم‌ترین نهادی است، که وظیفه‌ی تعلیم و تربیت افراد در هر جامعه‌ای را بر عهده دارد. سازنده‌گرایی روشی است که افراد توسط آن مطالب را با جذابیت فراوان یاد می‌گیرند و همچنین معلمان نیز بهره‌وری و رضایتمندی بیشتری از رویکرد سازنده‌گرایی دارند، استقبال بسیاری هم از جانب معلمان و هم شاگردان به این نظریه و رویکرد مشاهده گردیده است؛ یکی از این نظریه‌ها، نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی است. سازنده‌گرایی اجتماعی یک دیدگاه روان‌شناختی-فلسفی است که بر فعال بودن یادگیرنده در ساحت دانش و نقش اساسی اجتماع در ساخت و تبیین تعلیم و تربیت و مستقیماً از نظریه تحول ویگوتسکی گرفته شده است. ویگوتسکی بر نقش اجتماع در رشد فردی تأکید می‌ورزد و ریشه بسیاری از افکار و تحقیقات بسیاری از نظریه‌پردازان سازنده‌گرایی اجتماعی به نظریات وی باز می‌گردد. این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است بر آن است که به واکاوی نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت بپردازد.

واژه‌های کلیدی: سازنده‌گرایی، سازنده‌گرایی اجتماعی، ویگوتسکی، تعلیم و تربیت، نظام آموزشی

مقدمه

از جمله رویکردهای نوینی که در بحث یادگیری انسان به عنوان گفتمانی نوظهور مطرح است، نظریه‌ی سازنده‌گرایی است که با الهام از کارهای پیازه، دیویی، ویگوتسکی، برونر و غیره شکل گرفت. سازنده‌گرایی مفهومی عام می‌باشد که برای افراد مختلف معانی مختلفی دارد. برای برخی به عنوان فلسفه مطرح است درحالی که برای برخی دیگر به عنوان نظریه یادگیری یا مدلی برای یادگیری مطرح می‌شود و برای افرادی، شاخه‌ای از روان‌شناسی می‌باشد.

رویکردهای فلسفی و نظریات روان‌شناختی بر حوزه‌های مختلف علوم از جمله علوم تربیتی تأثیر گذارند و دارای دلالت‌های تربیتی برای نظام‌های آموزش و پرورش هستند؛ سازنده‌گرایی اجتماعی به عنوان یک مکتب فلسفی- روان‌شناختی با داشتن رویکردی انسان‌گرایانه و توجه به تفاوت‌های فردی همچنین با تأکید بر ساخت دانش توسط یادگیرندگان و نقش اجتماع در رشد فردی، می‌تواند دلالت‌های تربیتی مهمی برای نظام آموزش و پرورش باشد.

نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی معتقد است دانش در یک بافت اجتماعی وجود دارد و در میان افراد مشترک است. لذا ابزار اصلی ساختار دانش تعامل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی اوست. این محیط اجتماعی می‌تواند، معلم، خانواده، دوستان و همکلاسی‌ها باشند. سازنده‌گرایی اجتماعی شناخته‌شده‌ترین و پذیرفته شده‌ترین نوع سازنده‌گرایی است. در این رویکرد یادگیری یک فرایند فردی است که متأثر از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی است. (حسینی ایمنی، ۱۳۹۶).

جهان اجتماعی فرد یادگیرنده، شامل اشخاصی است که مستقیماً بر او تأثیر می‌گذارند، مانند معلمان، دوستان، دانش‌آموزان و تمامی کسانی که در فعالیت‌های مربوط به وی دخالت دارند. چنین تعریفی چه در مورد طبیعت اجتماعی مراحل درونی یادگیری و چه در مورد یک موضوع مشترک اجتماعی همچون دانش صدق می‌کند. ریشه افکار و تحقیقات بسیاری از نظریه-پردازان سازنده‌گرایی اجتماعی، به نظرات ویگوتسکی بازمی‌گردد. وی روان‌شناسی بود که بر نقش اجتماع در رشد فردی تأکید می‌ورزید و اجتماع را عاملی برای رشد انسان در نظر می‌گرفت.

دیویی نیز به عنوان نظریه‌پرداز این دیدگاه در تعلیم و تربیت شناخته شده است. وی اظهار نمود که دانش توسط انسان، به صورت اجتماعی، ساخته و خلق می‌شود. وی معتقد بود اساساً جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی تعلیم و تربیت به یکدیگر وابسته است و تعلیم و تربیت حد وسط این دو یا ترجیح یکی بر دیگری نیست. دیویی وجود تعلیم و تربیت را علت قدرتمند کردن فرد در موقعیت‌های اجتماعی می‌دانست. (نیکنام و مهرمحمدی، ۱۳۸۵).

این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای تدوین شده است برآن است که ضمن تعاریفی از سازنده‌گرایی و انواع آن به بررسی و واکاوی نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت در سیستم آموزش بپردازد.

شیوه‌ی تحقیق

نوع روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی است. نگارندگان ابتدا به فیش‌برداری از موضوعات مرتبط پرداخته‌اند و بعد از اتمام فیش‌برداری به تلفیق و دسته‌بندی آن‌ها و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته‌اند و در پایان از بررسی‌های انجام شده در این آثار نتیجه‌گیری‌های لازم به عمل آمده است که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

اهداف تحقیق

هدف کلی این جستار واکاوی نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت است که علاوه بر آن اهداف فرعی دیگری نیز دارد که عبارت است از:

- شناخت نظریه سازنده‌گرایی
- تبیین و شناخت نظریه‌سازنده‌گرایی اجتماعی
- کاربرد و تأثیر نظریه‌سازنده‌گرایی اجتماعی در تعلیم و تربیت

پیشینه‌ی تحقیق

- شیخی‌فینی (۱۳۸۱) در تحقیق خود با عنوان «تبیین و ارزیابی دیدگاه سازنده‌گرایی» به معرفی و ارزیابی یکی از جدیدترین دیدگاه‌های یادگیری به نام سازنده‌گرایی پرداخت. یافته‌های وی حاکی از این بود دیدگاه‌های سازنده‌گرایی درباره دانش و رویکردهای معرفت‌شناختی حاصل از آن به صورت روز افزونی تمام حیطه‌های تعلیم و تربیت را تحت‌الشعاع قرار داده اند.

- حیدرزادگان و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان: «بررسی تأثیر نظریه‌ی سازنده‌گرایی اجتماعی بر عملکرد دانش‌آموزان پایه‌ی سوم دوره‌ی راهنمایی در درس علوم» به بررسی تأثیر نظریه‌ی سازنده‌گرایی اجتماعی بر برنامه درسی علوم راهنمایی پرداخته. نتایج این بررسی آنان حاکی از آن بود که بین عملکرد دانش‌آموزان که با رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی آموزش دیدند و آنهایی که با برنامه‌ی رایج، علوم آموزش دیدند، تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر عملکرد فراگیران آموزش دیده با رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی، بالاتر از عملکرد فراگیران گروه کنترل بود.

- اسلامیان و همکاران (۱۳۹۴). در تحقیقی با عنوان: «بررسی و تحلیل کاربرد نظریه‌های یادگیری در فرایند تدریس و یادگیری» انجام دادند. در این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل اصول و مبانی نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و سازنده‌گرایی این نظریه‌ها در فرایند تدریس و یادگیری انجام دادند.

- عسگری و همکاران (۱۳۹۲) اثربخشی نظریه‌ی سازنده‌گرایی را بر تدریس ریاضی دوره راهنمایی بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهارت حل مسأله و پیشرفت تحصیلی گروه آزمایش؛ که با روش‌های تدریس مبتنی بر سازنده‌گرایی آموزش دیدند، از گروه کنترل که با روش تدریس متداول آموزش دیده‌اند بالاتر است. همچنین، میزان افزایش میانگین نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش، از نظر یادگیری دانش و مفاهیم ریاضی، از میزان افزایش میانگین نمرات گروه کنترل بیشتر شده و این افزایش از نظر آماری، معنادار بوده است.

- فتحی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه سازنده‌گرایی و دلالت‌های آن برای فرایند یادگیری و تدریس» نشان داد که این نظریه دلالت‌های زیادی برای تدریس یادگیرنده محور دارد. این مقاله از نوع مروری است و در آن از روش اسنادی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که این نظریه با داشتن مزایای زیادی که دارد، برای همه جنبه‌های زندگی آموزشی فرصت‌هایی را فراهم می‌آورد. هم چنین در این مقاله از کلاس‌های اجتماعی با رویکرد سازنده‌گرایی بحث شده است.

سازنده‌گرایی

نظریه سازنده‌گرایی که برای اصطلاح انگلیسی constructivism به کار رفته است و از واژه انگلیسی constructive مشتق شده و در فرهنگ لغت سازندگی دانش معنی می‌دهد. در واژه‌نامه اکسفورد سازنده‌گرایی را اینگونه تعریف کرده است:

«اندیشه‌ای است که طبق آن ادراکات، باورها و سایر ساختهای ذهنی پیچیده به طور فعال توسط فرد و در ذهن او ساخته می‌شود نه اینکه از بیرون به درون ذهن می‌آیند» (سیف، ۱۳۹۴).

سازنده‌گرایی یک فلسفه یادگیری است که بر ساختن دانش توسط یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی اشاره دارد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان دانش خود را مبتنی بر طرح‌واره‌ها یا عقاید موجود می‌سازد. اساساً سازنده‌گرایی نظریه‌ای مبتنی بر مشاهده و مطالعه‌ی علمی است درباره‌ی این که انسان چگونه می‌آموزد؛ این نظریه معتقد است که انسان‌ها فهم و دانش خویش را با کمک جهان از طریق تجربه نمودن اشیا و تفکر کردن درباره‌ی این تجربیات می‌سازند. (شیخی، فینی، ۱۳۸۳).

سازنده‌گرایی رویکردی به تدریس و یادگیری و مبتنی بر این فرض است که یادگیری حاصل ساختن ذهن است و دانش آموزان با ترکیب و تطبیق اطلاعات جدید با یکدیگر و با آنچه قبلاً می‌دانسته‌اند، یاد می‌گیرند. این نظریه، بر ساخت دانش توسط دانش‌آموزان به صورت انفرادی یا اجتماعی تأکید دارد، بنابراین تدریس در این رویکرد می‌بایست مشارکتی بوده و از تلقی آنها به عنوان امری بیرونی اجتناب گردد. از طرفی امروزه با توجه به تغییرات مهم در برنامه‌های درسی توجه بیش از پیشی را می‌طلبد که با لحاظ نمودن دیدگاه‌ها و رویکردهای نو در این باره تغییراتی در تمامی ابعاد اعم از تدریس معلمان، مشارکت دانش‌آموزان، پرورش روحیه نقد و... بوجود خواهد آمد. (کرامتی، ۱۳۸۴).

در رویکرد سازنده‌گرایی هدف آموزش کمک به یادگیرندگان برای ایجاد یادگیری و راهبردهای تفکر است. تمرکز بر ساخت فعالانه‌ی دانش به وسیله‌ی فرد است و یادگیری از طریق تشویق فعالانه تسهیل می‌شود. (فردانش، ۱۳۸۷). انواع متنوعی از سازنده‌گرایی موجود می‌باشد که عبارت‌است از: افراطی، اجتماعی، تحولی، پست مدرن، پردازش اطلاعات و نظام‌های سایبرنتیک. به طور کلی سازنده‌گرایی در تعلیم و تربیت بیشترین مفاهیم جاری حوزه‌ی خود را از کار ژان پیاژه، برونر، ویگوتسکی در قرن بیستم کسب کرده است. (شیخی فینی، ۱۳۸۳).

خاستگاه سازنده‌گرایی

سازنده‌گرایی گفتمان نوینی در عرصه روان‌شناسی شناختی است که مفهوم زیربنایی آن این است که دانش توسط فراگیر ساخته می‌شود و در واقع این یادگیرنده است که با عنایت به دانش و تجارب پیشین خود موقعیت جدید را تفسیر کرده و دانش خود را می‌سازد. مفهوم سازنده‌گرایی قدمت زیادی دارد و به کارهای سقراط و افلاطون و ارسطو برمی‌گردد، اما ظهور آن به عنوان گفتمان مربوط به اواخر قرن بیستم و حاصل تلاش افرادی همچون پیاژه، برونر، ویگوتسکی و دیویی به عنوان معماران این نظریه به شمار می‌رود. این رویکرد در عمل برتری خود را نسبت به رویکردهای سنتی آموزش نشان داده است. بسیاری سعی نموده‌اند که مفروضات سازنده‌گرایی را در امر آموزش به کار ببرند که رویکرد مساله محور ویتلی و روش آزمایشگاهی ساندرز از نمونه‌های آن هستند. (مومنی مهموئی، ۱۳۸۷). هر چند که ریشه‌های سازنده‌گرایی را باید اغلب به کار پیاژه استناد کرد، اما اصول سازنده‌گرایی پیشترها در تاریخ پدیدار شده است.

مبانی سازنده‌گرایی

اگر در نظریه‌های فلسفی و روان‌شناختی گذشته جستجو شود، ریشه‌های سازنده‌گرایی را در نوشته‌های افرادی مانند برونر، هابرماس می‌توان یافت. الریک نایسر، کانت، کوهن، دیویی بیشترین تأثیر را در کار پیاژه داشته‌اند که به وسیله فون گلاسرزفیلد تفسیر و توسعه یافته است.. (Kottalil, (2009)

به عقیده سازنده‌گرایان، یادگیرندگان واقعیت خویش را می‌سازند و یا حداقل آنرا مبتنی بر ادراک و تجربیات خود تفسیر می‌کنند؛ بنابراین دانش شخصی تابع تجربیات پیشین، ساختارهای ذهن و اعتقادات شخصی است که برای تفسیر اشیاء و وقایع مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه یک شخص می‌داند در ادراک از تجربیات فیزیکی و اجتماعی که به وسیله ذهن فهمیده می‌شود ریشه دارد. اگر هر فرد دیدگاه خودش را درباره واقعیت داشته باشد، ما چگونه می‌توانیم به عنوان افراد یک جامعه با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم و یا همزیستی داشته باشیم؟

جوناسن این موضوع را در مقاله «تکنولوژی فکر، به سوی ارتباط طراحی یک الگوی طراحی سازنده‌گرا» مورد بحث قرار می‌دهد: «شاید شایع‌ترین استنباط نادرست از سازنده‌گرایی این باشد که هریک از ما یک واقعیت بی‌همتا را می‌سازیم که آن واقعیت فقط در ذهن داننده است که این بدون شک به آنارشیزم ذهنی منجر می‌شود.» (Johnson, 2014)

مفروضات سازنده‌گرایی:

- ۱- دانش از تجربه ساخته می‌شود
- ۲- یادگیری فرآیند تفسیر شخصی از جهان است
- ۳- یادگیری فرآیندی فعال است که با ایجاد معنی مبتنی بر تجربه توسعه می‌یابد
- ۴- یادگیری باید در محیطی واقعی باشد و آزمودن باید با تکلیف در هم تنیده شود نه اینکه یک فعالیت مجزا باشد.

سازنده‌گرایی اجتماعی

آنگاه تاریخ بشر از یک طرف تاریخ رشد استیلای بشری بر طبیعت در اختراع ابزار و کمال در تکنولوژی است و از سوی دیگر، تاریخ کنترل تدریجی انسان بر خویشتن در ابداع تکنیک‌های تربیتی علایم است. به علاوه ویگوتسکی تأکید بر فرهنگ و جامعه را در مباحث خود که همه کارکردهای ذهنی بالا در اصل اجتماعی هستند را تعلیم داده و در مفهوم برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی تعبیه کرده است.

فعالیت‌های کودک از اولین روزهای تکامل او، در یک سیستم رفتار اجتماعی شکل می‌گیرند و مستقیماً به سمت یک هدف معین معطوف می‌شوند و در اغلب اوقات در منشور محیط اطراف کودک انکسار می‌یابند. مسیر از هدف به کودک و از کودک به هدف از سایر افراد نیز می‌گذرد. این ساختار انسانی پیچیده، حاصل یک فرایند تکاملی است که عمیقاً در تاریخچه روابط بین افراد جامعه ریشه دوانیده است. (گیل و همکاران، ۲۰۰۲).

سازنده‌گرایی اجتماعی شناخته‌ترین و پذیرفته شده‌ترین نوع سازنده‌گرایی است. این نوع سازنده‌گرایی مستقیماً از نظریه تحول شناختی ویگوتسکی سربرآورده، اما از اندیشه‌های برونر و جان دیویی نیز تأثیر پذیرفته است. ویگوتسکی می‌گفت، هر چند که یادگیری در درون ذهن یادگیرنده صورت می‌پذیرد، اما حاصل تعامل اجتماعی است، و معنی از طریق ایجاد ارتباط، فعالیت، و تعامل با دیگران ساخته می‌شود. ویگوتسکی معتقد بود که مهارت‌های شناختی و الگوهای فکری محصول فعالیت اجتماعی فردند. و تاریخچه فردی تعیین کننده اصلی چگونگی تفکر او هستند. حتی دانشمند عزلت‌گزین که تنها در اتاقش زندگی می‌کند با مصنوعات و ابزارهای فرهنگ خود و از طریق آن‌ها با مولفان و تولیدکنندگان آن مصنوعات و ابزارها و جامعه بزرگ تر سر و کار دارد.

نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی معتقد است دانش در یک بافت اجتماعی وجود دارد و در میان افراد مشترک است. لذا ابزار اصلی ساختار دانش تعامل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی اوست. این محیط اجتماعی می‌تواند، معلم، خانواده، دوستان و همکلاسی‌ها باشند. سازنده‌گرایی اجتماعی شناخته‌شده‌ترین و پذیرفته شده‌ترین نوع سازنده‌گرایی است. در این رویکرد یادگیری یک فرایند فردی است که متأثر از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی است. (حسینی ایمنی، ۱۳۹۶).

ساخت‌دهی ساز و کار اصلی ساختن دانش در رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی است. در این رویکرد نقش عوامل و فرایندهای شخصی و اجتماعی به همراه و در تعامل باهم و در ارتباط با بافت و یا زمینه یادگیری برجسته است.

پذیرش دیدگاه سازنده‌گرایی اجتماعی و ادبیات مربوط به آن کاربردهای ارزش‌مندی برای مربیان و محققان حوزه آموزشی و یادگیری دارند. این شکل شناخت‌شناسی، بر ماهیت اجتماعی دانش استوار است و معتقد است که دانش، نتیجه تعامل اجتماعی و کاربرد زبان است؛ بنابراین در این نوع سازنده‌گرایی، کسب دانش امری مشارکتی، فراشخصی و تجربی است.

مطالعات ویگوتسکی اساس و پایه‌ی سازنده‌گرایی اجتماعی را در برنامه‌های آموزشی شکل داده است. تأکید او بر نقش سایرین یا مفهوم اجتماعی را در یادگیری، مربیان را جهت آموختن مجدد این حوزه که یادگیری را یک فرایند شخصی می‌داند، تحت فشار قرار داده است.

معلم و سازنده‌گرایی

به طور روشن و آشکار آموزش مبتنی بر سازنده‌گرایی از رویکرد سنتی آموزش معلم محور مبتنی بر سخنرانی متفاوت می‌باشد. تحقیقات نشان داده است اثربخشی روش سازنده‌گرایی به مراتب بیشتر است به طور کلی می‌توان موارد زیر را به عنوان مزایای بهره‌گیری از معلم سازنده‌گرا و نقشش در پرورش فراگیر سازنده‌گرا قلمداد نمود:

- ✓ بچه‌ها بیشتر یاد می‌گیرند و یادگیری لذت بخش‌تر می‌شود وقتی آن‌ها به گونه‌ای فعال درگیر می‌شوند.
- ✓ تعلیم و تربیت زمانی که روی تفکر و درک به جای به خاطر سپاری صرف متمرکز شود بهتر کار می‌کند. معلم سازنده‌گرا روی یادگیری چگونه فکرکردن و درک کردن متمرکز است.
- ✓ یادگیری سازنده‌گرا قابل انتقال می‌باشد. در کلاس‌های درس ساخت و سازگرا فراگیران به گونه‌ای به یادگیری می‌پردازند که بتوانند آن را در محیط‌های دیگر به کار ببرند.
- ✓ سازنده‌گرایی به فراگیران مالکیت آنچه آن‌ها یاد می‌گیرند را می‌دهد. هنگامی که یادگیری مبتنی بر سوالات و بررسی‌های فراگیران باشد و آن‌ها در طراحی و ارزشیابی نقش ایفا کنند این امر رخ می‌دهد.
- ✓ معلم سازنده‌گرا فعالیت‌های یادگیری اساسی در بستر دنیای واقعی، سازنده‌گرایی فراگیران را برمی‌انگیزاند و درگیر می‌سازد.

- ✓ معلم سازنده‌گرا به ایجاد محیط کلاس درس مبتنی بر مشارکت و تبادل آرا تأکید می‌کند.
- معلم بایستی فکور بوده و برنامه‌ی درسی را میان علایق فراگیران به بحث بگذارد، محیط‌های یادگیری را تغییر دهد و آموزش را به علایق و تجارب فراگیران انطباق دهد. تحت نظریه ساخت و سازگرایی معلم بر ایجاد ارتباط بین حقایق و پرورش ادراکات جدید در فراگیران تمرکز دارد. معلم استراتژی‌های خود را با پاسخ‌های فراگیران سازگار می‌کند و آنان را به تجزیه و تحلیل، تفسیر و پیش‌بینی اطلاعات تشویق می‌نماید. معلم همچنین به شدت بر پرسش‌های باز پاسخ و گفتگوهای بین فراگیران تأکید دارد. فراگیران را از اهمیت درس و مفید بودن آن مطلع می‌نماید و به آنان راه بکارگیری آنچه یادگرفته‌اند را در موقعیت‌های زندگی واقعی نشان می‌دهند. بنابراین، یادگیری برای فراگیران معنادار می‌شود. از خصوصیات دیگر این نوع

معلم، جلب توجه نمودن فراگیران در آغاز درس می‌باشد که این جلب توجه در کل درس حفظ می‌گردد. (مومنی مهموئی، ۱۳۸۷).

معلمان سازنده‌گرا، بیشتر از راهبردهای انگیزش درونی استفاده می‌نمایند؛ زیرا بر این باورند که انجام صحیح و موفقیت آمیز فعالیت، موجب رضایت خاطر و تقویت رفتار می‌شود. (موسوی زاهد، ۱۳۸۷).

نقش معلم در سازنده‌گرایی اجتماعی

معلم در الگوهای سازنده‌گرایی اجتماعی، نقش‌های ویژه ای دارد که عبات است از:

- تسهیل‌گری جریان آموزش و یادگیری
 - ارائه‌دهنده و نه سخنرانی، الگو فعالیت متعدد
 - مشاهده کننده
 - سوال کننده و ارائه دهنده مسأله در جهت مدیریت و انگیزش
 - سازمان دهنده محیط برای تجربه‌اندوزی و کاوش
 - هماهنگ کننده روابط عمومی و بهبود روابط سعه صدر
 - مستندساز جریان یادگیری
 - نظریه پردازی و الگوی نظریه پردازی شدن
- محیط یادگیری به ساخت اجتماعی، روانی و آموزشی‌ای اشاره دارد که یادگیری در آن صورت می‌گیرد و پیشرفت و نگرش‌های دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شواهد حاکی از آن هستند که یادگیرندگان با انگیزه در محیط‌های حمایت-بخش خودکارآمدی بالاتری دارند. (لاکویتی و همکاران، ۲۰۱۰).

تعلیم و تربیت

O.C ONNOR استاد دانشگاه لیورپول انگلستان در کتاب «مقدمه‌ای بر فلسفه تعلیم و تربیت» می‌گوید تعلیم و تربیت از

امور زیر تشکیل می‌شود:

الف: یک دسته تکنیک یا روشی در انتقال معلومات، مهارت، گرایش‌ها.

ب: یک دسته تئوری‌ها که اجرای تکنیک‌ها تأیید می‌کند.

ج: یک دسته ارزش‌ها یا آرمان‌ها که در هدف‌های انتقال معلومات، مهارت‌ها و گرایش‌ها منعکس شده‌اند در این تعریف کسب معلومات و مهارت‌ها مهم تلقی شده و تعلیم و تربیت ناظر بر روش انتقال معلومات می‌باشد.

پرفسور برودی استاد تعلیم و تربیت دانشگاه ایلینویز در کتاب «بنای یک فلسفه تعلیم و تربیت» تعلیم و تربیت را به عنوان کنترل یادگیری مورد بحث قرار می‌دهد. ابتدا آنچه را که از مفهوم تعلیم و تربیت خارج است مانند اموری که در جریان رشد و تکامل خودبخود ظاهر می‌گردند. و مربوط به وقایع بدنی می‌باشند، ذکر می‌کند و سپس رابطه تعلیم و تربیت را با یادگیری بررسی نماید. به نظر پرفسور برودی تعلیم و تربیت با یادگیری یکسان نیست. به عنوان مثال یادگیری که از طریق ایجاد عکس‌العمل مشروط صورت می‌گیرد. و فرد در جریان یادگیری خود به خود و بدون آگاهی یا به عبارت درست‌تر بدون دارا شدن فهم صحیح، امری را آموزد به هیچ وجه جنبه تربیتی ندارد، از طرف دیگر، تعلیم و تربیت جنبه ایده‌آلی دارد و مربی

می‌خواهد آنچه را که فرد باید بیاموزد در وی رشد دهد، بنابراین آن دسته از یادگیری‌ها که تحت کنترل قرار دارد مورد بحث تربیتی است و با تعلیم و تربیت مربوط می‌باشد. پروفسور برودی سه نوع تربیت را مورد بحث قرار می‌دهد:

الف: تربیت محیطی: این نوع تربیت تقریباً خود به خود صورت می‌گیرد. تماس اجتماعی فرد با دیگران سبب فراگیری اموری مثل غذای معین، راه رفتن در پیاده رو می‌شود.

ب: تربیت غیر رسمی: آنچه در خانواده یا موسسات غیرتربیتی به فرد آموخته می‌شود و بیشتر جنبه عملی دارد به عنوان تعلیم و تربیت غیررسمی تلقی می‌شود.

ج: تربیت رسمی: در تربیت رسمی قصد تعلیم یا عادت دادن یا هر دو واضح است و موسسه‌ای برای انجام وظیفه تشکیل می‌شود.

جان دیویی در کتاب «دموکراسی و تعلیم و تربیت» مفهوم تعلیم و تربیت را چنین بیان می‌دارد: «دوباره ساختن یا دوباره سازمان دادن تجربه به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی فرد را بهتر قادر سازد. در این تعریف توجه به معنای تجربه و عناصر آن و دوباره سازمان دادن تجربیات اهمیتی خاص دارد. تجربه جریانی است که در آن افکار، تمایلات، هدف‌ها، مهارت‌ها و قدرت درک فرد و محیط که از اشخاص، اشیاء، حوادث، پدیده‌ها تشکیل شده روی یکدیگر اثر می‌گذارد نتیجه این تجربه در فعالیت‌های بعدی فرد موثر است. (شریعتمداری، ۱۳۸۴).

نظریه‌ی سازنده‌گرایی و اهداف تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت یک فرآیند است. پر واضح است که هر فرآیندی رو به مقصدی دارد. تعیین اهداف و مقاصد تعلیم و تربیت کاری فلسفی است. چرا که تعیین این اهداف کاری است در حوزه‌ی ارزش‌ها (هدف آن چیزی است که مطلوب است) و حوزه‌ی ارزش‌ها صرفاً در قلمرو فلسفه است. تعیین اهداف تربیت مستلزم تفکر درباره‌ی ارزش‌ها بوده و تفکر درباره‌ی ارزش‌ها یعنی رو به حوزه و قلمرو فلسفه. یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت کمک به شاگردان است تا به رشد عقلانیت برسند. در حقیقت رشد بعد عقلانی یک هدف تربیتی ناشی از تفکر معرفت‌شناختی است. به عبارت گویاتر، رساندن فراگیران به مقام خردمندی یا رشد قوه‌ی قضاوت صحیح در آنان است. (شریعتمداری، ۱۳۸۴).

در باب اهداف تعلیم و تربیت نظرات متفاوتی از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است. اگرچه افرادی هم هستند که اظهار می‌دارند برای آن نمی‌توان هدفی قائل شد. به عنوان مثال دریدا معتقد است: هیچگاه پایان و غایتی برای معماری سیستم تعلیم و تربیت وجود ندارد. (پیتز، ۲۰۰۰).

اما بسیاری از اندیشمندان معتقدند: که در تعیین هدف‌های تربیتی باید حداقل پنج جنبه را مد نظر داشت: مشخص نمودن خصوصیات و ویژگی‌های انسان ایده آل مورد نظر بر اساس مکتب، ارزیابی و روشن نمودن شرایط تاریخی موجود، روشن نمودن دیدگاه خود نسبت به جایگاه نسل رو به رشد در شرایط و موقعیت تاریخی موجود، پیش بینی تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ارزش‌های فرهنگی و پیدا کردن تصویری روشن از این تحولات و انجام اقدامات لازم در این ارتباط و در نهایت ارائه‌ی تصور روشن از وظایف، مسئولیت‌ها و جایگاه نسل آینده در جامعه و پیش‌بینی و آینده نگری و بررسی امکانات مربوط به آن. (میرلوحی، ۱۳۶۹).

سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت

۱- یادگیری مبتنی بر اجتماع و فرهنگ

در رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی، تحول فرایند کامل‌کننده طبیعی، زیست‌شناختی و فرهنگی است که در تمامی افراد بدون توجه به سن، جنس، نژاد، طبقه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی که قرار گرفته‌اند، صورت می‌گیرد. تحول و یادگیری آدمی حاصل تعاملات اجتماعی یا هر زمینه اجتماعی است که بر اساس شرکت در گروه‌ها، معنای فرهنگی می‌یابد و حتی در فرد درونی می‌شود. (ابرهیمی قوام، ۱۳۸۷).

طبق این دیدگاه تربیتی، فرض می‌شود که نظریه و عمل در خلاء انجام نمی‌شود و ابعاد فرهنگی بر آن تأثیرگذار است. لذا هم دانش رسمی و موضوعات تدریس و یادگیری و هم نحوه ارائه مطالب، می‌تواند تحت تأثیر سابقه تاریخی و محیط فرهنگی که آنها را به وجود آورده است، قرار گیرد.

۲- رسیدن به منطقه تقریبی رشد

ویگوتسکی معتقد است که فرایندهای رشد و تحول به دنبال فرایندهای یادگیری رخ می‌دهد. برای اثبات این نظر، ویگوتسکی نشان داده است کودکانی که به تنهایی از عهده‌ی انجام پاره‌ای از تکالیف بر نمی‌آیند به کمک بزرگسالان یا دوستان بزرگسالشان انجام کارها را می‌آموزند. به سخن دیگر وقتی که کودکان به حال خود رها می‌شوند تا مستقلاً مسائل را حل کنند، یک نوع توانایی از خود نشان می‌دهند و وقتی که با همکاری و کمک بزرگترها یا کودکان به حل مسأله اقدام می‌کنند توانایی بیشتری نشان می‌دهند.

۳- رشد شناختی-اجتماعی کودکان

یکی از مشکلات آموزشی، اینست که آنچه در مدرسه آموخته می‌شود، قابل تعمیم به موقعیت‌های واقعی زندگی نیست. نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی علت این مسأله را موقعیتی بودن شناخت می‌داند که باعث می‌شود انتقال یادگیری اتفاق نیافتد. در اصل، این نظریه از طریق ایده یادگیری موقعیت به ما کمک می‌کند که تدریس و تربیت را با مقتضیات زندگی مرتبط سازیم. بدین ترتیب که معلم و فعالیت درسی و تربیتی را به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کند که شاگردان:

- فرضیه‌هایی را برای تبیین واقعه‌ها و حل مسائل تدوین کنند.
- برای آزمون این فرضیه‌ها به جمع‌آوری اطلاعات بپردازند.
- بر اساس یافته‌های خود نتیجه‌گیری کنند.
- نتایج جستجوگری خود را برای حل مسئله و فرایندهای فکری مورد نیاز در این امر به کار گیرند. شرط مهمی که این مسائل باید دارا باشند اصیل و واقعی بودن آنهاست. در سازنده‌گرایی، تکالیف اصیل در یک زمینه معنادار ترغیب می‌شود. (فتحی، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

فلسفه تعلیم و تربیت در پی بیان ارزش‌ها، اهداف و دلایلی برای کل اعمال آموزشی می‌باشد افرادی که تلاش می‌کنند که بدون توجه به مبانی فلسفی روند تعلیم و تربیت را بهبود بخشند. جستار حاضر به منظور واکاوی نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت انجام گرفته است.

نتایج این جستار حاکی از آن است که سازنده‌گرایی اجتماعی نسبت به واقعیت و جهان هستی و همچنین کسب شناخت معتقد به نسبی بودن واقعیت است. نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی یکی از انواع سازنده‌گرایی است، و نظریه‌ای است چند بعدی و همه جانبه که در قلمرو تعلیم و تربیت نیز از اثرگذاری بالایی برخوردار است. تاکید بر نقش هدایت‌گر معلم در جریان تعلیم و تربیت از نکات مهم در دیدگاه سازنده‌گرایی اجتماعی است. سازنده‌گرایی در تعلیم و تربیت بر این باور است که مربیان باید به یک شیوه کل‌گرایانه تفکر در خصوص یادگیری اعتقاد پیدا کنند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی و همکاران. (۱۳۸۷). نظریه سازنده‌گرایی و کاربرد آن در آموزش، نشریه پژوهشی آموزشی اطلاع‌رسانی مدارس، شماره چهارم.
۲. حسینی‌ایمنی، سیدسپیده. (۱۳۹۶). بررسی میزان به کارگیری راهبردهای محیط سازنده‌گرایی اجتماعی توسط معلمان و ادراک دانش‌آموزان از آن، دانشگاه مازنداران.
۳. حیدرزادگان، علیرضا، و همکاران. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی بر عملکرد دانش‌آموزان پایه‌ی سوم راهنمایی در درس علوم در شهر زاهدان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره ۶، صص ۴۴-۲۹.
۴. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، تهران: انتشارات دوران.
۵. شیخی‌فینی، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). تبیین و ارزیابی دیدگاه سازنده‌گرایی، روان‌شناسی و علوم تربیتی، تازه‌های علوم شناختی، شماره ۱۵ پاییز ۸۱.
۶. ----- (۱۳۸۳). سازنده‌گرایی، نظریه تربیتی و روان‌شناختی پست مدرنیسم، تهران: دانشگاه هرمزگان.
۷. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۴). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۴). یادگیری مشارکتی یادگیری از طریق همیاری، تهران: فرانگیزش، چاپ دوم، ۲۲.
۹. فردانش، هاشم. (۱۳۸۷). شناسایی الگوی طراحی آموزشی مطلوب برای آموزش‌های صنعتی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره ۸.
۱۰. فتحی، محمدرضا. (۱۳۹۸). نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی و دلالت‌های آن برای فرایند یادگیری و تدریس، مجله پژوهش‌های آموزش و یادگیری، سال چهارم، شماره ۱۵.
۱۱. مومنی مهموئی، حسن. (۱۳۸۷). تدریس، شماره ۳ زمستان، نشریات: رهاورد.
۱۲. میرلوحی، حسین. (۱۳۶۹). نقش محوری هدف در برنامه ریزی درسی، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۲۱.
۱۳. موسوی زاهد، سید محمدرضا. (۱۳۸۷). <http://isedor.persianblog.ir/ta>.

۱۴. نیکنام، زهرا، مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۵). ساخت و سازگاری دیالکتیکی و ارئه چهارچوب نظری مبتنی بر آن، برای آموزش علوم تجربی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۲.
15. -Lokuhetty, M., Warnakulasuriya, S., Perera, R., Silva, H., & Wijesinghe, H. (2010). Students' perception of the educational environment in a Medical Faculty with an innovative curriculum in Sri Lanka. *South - East Asian, Journal of Medical Education*, 4(1), 9 – 16.
16. Gail Jones .M , Laura Brader-Araje .(2002). *The Impact of Constructivism Education: Language, Discourse, and Meaning*. on
17. -Johnson, D. W., Johnson, R. T., & Smith, K. A. (2014). Cooperative learning: Improving university instruction by basing practice on validated theory. *Journa on Excellence in University Teaching*, 25(4), 1-26.1
18. -Kottalil, N. K. (2009). Meaning Making and Self-Evaluation. *Online Submission*.
19. Peter,t.(2000), Jacques Derrida as a philosopher of Education, educational philosophy and Jacques Derrida as a philosopher of Education, educational philosophy and
20. theory, vol,3,no,32

Analysis of Social Constructivism Theory and Its Implications in Education

Fereydoon Yazdani¹, Jalil Farangipour²

1- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Hamedan, Iran

2- M.A. Student in History and Philosophy of Education Payam-e-Noor Khoy University, primary teacher of Abadan District

Abstract

In all school education systems, the main pillar of education is teachers and teachers are also educators and influential models of education, so teaching job is one of the most sensitive and responsible jobs in society. Education is the most important institution that is responsible for the education of individuals in any society. Constructivism is a method by which people learn the content with great attraction and also teachers have more productivity and satisfaction of constructivism approach, many welcomed by both teachers and students to this theory and approach has been observed, one of these theories is social constructivism theory. Social constructivism is a psychological-philosophical perspective that focuses on the activeness of the learner in the field of knowledge and the fundamental role of society in the construction and refinement of education and is derived directly from the Vygotsky theory of transformation. Vygotsky emphasizes the role of society in individual development and the root of many thoughts and researches of many social constructive theorists goes back to his theories. This paper, which has been done by descriptive and analytical method based on library studies, tries to explore the theory of social constructivism and its implications in education.

Keywords: Constructivism, Social Constructivism, Vygotsky, Education, Educational System
